

آتشباران نامدار جنگ با عراق قربانیان ضد اطلاعات اند

پیروزی ضد اطلاعات

جنگ امریکا با عراق بهترین نمونه پیروزی ضد اطلاعات است. کسانی این جنگ را می خواستند. محافلی بسیار معتقد در محاسبات مربوط به سود آنی به بهانه منافع ملی امریکا آنرا لازم داشتند. پس ضد اطلاعات اسنادی جعلی تدارک دید. از بعد یک دستبرد به سفارت نیجریه در دوم ژانویه ۲۰۰۱ کاغذی را که می خواستند بدست آوردند که بر آن نوشته شده بود عراق سالانه پانصد تن سنگ اورانیوم از نیجریه خریداری می کند. ماه بعد همه دول بزرگ دموکرات از این قضیه با خبر شدند. انگلستان و امریکا دو کشور همدست در سیاست خارجی در این خبر دمیدند.

فرانسه که سابقه تاریخی مدید با نیجریه داشت و نیز کشور عراق را می شناخت بمدد تحقیقات رئیس اطلاعات وقت **Alain Chouet** بفراست دریافت که سند رباییده شده در آن دستبرد اعتبار ندارد. زیرا نیجریه مستعمره سابق فرانسه در چنین مسائل همکاری نزدیک با این کشور دارد. و نیز پرزیدنت شیراک از آن دور نخست نخست وزیری اش با مردان سیاسی عراق رابطه داشت و صدام را بهتر از همه می شناخت بنابراین فرانسه در دام ضد اطلاعات انگلو- امریکن و ایتالیا نیفتاد. برلوسکونی که علاقمند به تقرب با بوش بود به هر چه پرزیدنت امریکا خواست تن در داد و وقتی عراق اشغال شد پرزیدنت بوش پاداشی چند صد میلیونی بصورت قرارداد مربوط به بازسازی عراق به او داد.

منابع و محافلی معتقدند که در این فعل و انفعالات ضد اطلاعاتی شاخه ای از پس مانده های رژیم شوروی و بلغارستان دست داشته اند یعنی همین دست ها که

جوان ترک و بلغاری را واداشتند تا بروی پاپ ژان پل دوم اسلحه کشد. تا دست امریکا در خاورمیانه بند شود. و این نظریه ای است نه بیش و نه کم.

و درمقابل در داخل امریکا کسانی گماشتگی محافل سیاسی - اقتصادی را کردند تا بمدد شبکه ای از رسانه ها افکار عمومی را آماده جنگ با عراق کنند و البته نام مؤسسه تحقیقاتی اینتر پرایز و رئیس آن مایکل لیدین M. Ledeen را می برند.

در این قضیه هیچ کس در امریکا به نظرات مخالف گوش فرانداد. حتی بررسی های سیا به هیچ گرفته شد. و چون آن فاجعه دو برج نیویورک پیش آمد بی دلیل واقعی عراق را متهم به همدستی با بن لادن هم کردند. و لابد بخاطر دارید که در جلسه شورای امنیت سازمان ملل جناب کالین پاول وزیر خارجه وقت با چه حرارتی عکس هائی عوضی ارائه داد که یافتیم یافتنی ها را. و نیز بیاد دارید که وزیر خارجه فرانسه با چه دلسوزی و قدرتی تصمیم به جنگ را منع کرد و بالاخره بیاد دارید که البرادعی رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی چقدر تحقیر شد وسیله پرزیدنت امریکا.

امروز کیست که نداند جنگ با عراق با دروغ آغاز شد و با دروغ دامن زده شد و پوچ ترین جنگی است در تاریخ که با وجود دهها هزار قربانی و حداقل سه تریلیون دلار هزینه جهان را به گردابی کشانده که خروج از آن نامعلوم است.

این مقدمه برای این بود که دریابیم وقتی کشورهائی بزرگ و نیرومند مثل امریکا و انگلستان بتوانند بازیچه ضد اطلاعات شوند حدس بزنید حال دیگران را. و برگردید و غور کنید در آنچه ضد اطلاعات در ایران کرد به سالهای قبل و بعد انقلاب موسوم به اسلامی.

و چنانچه حوصله یا علاقه دارید به گزارش ویژه و مفصل آقای کریگ اونگر Craig Unger در مجله Vanity Fair (شماره جولای ۲۰۰۶) رجوع کنید. بدیهی است این مجله پشت جلدی دارد از باب بازاریابی که ممکن است شما را منصرف کند ولی گول این حقه ضد اطلاعاتی را هم نخورید خواهید دید با چه دلایل و اسنادی محقق فوق ثابت می کند که جنگ عراق را امریکا و ایتالیا متفقاً تدارک دیدند و دست مافیای جهانی در آن است (به نقل از روکو مارتینو Rocco Martino جاسوس نیمه جهانی و نامعروف)

رامسفلد و چنی و بوش هر کدام بدلیلی آتش جنگ را برافروختند. رامسفلد را ژنرال های بازنشسته خانه نشین کردند. زیرا از همان روز اول ژنرال با تعداد قشون اعزامی را سه برابر ۱۲۵ هزار نفر می خواستند و خوش خیالی های رامسفلد و ریچارد پرل و چنی و بلر و پول جوئی برلوسکونی موجب اتلاف جان و مال امریکائیان شد و حساب عراق و عراقیان به کنار. این است نتیجه در غلتیدن در خط ضد اطلاعات. ایرانیان در جریان های بعد از سال های ۵۷-۱۳۲۰ بارها و بارها به دام ضد اطلاعات افتادند و در سالهای بعد مهاجرت میلیون ها ایرانی نیز به بهانه اوپوزیسیون نیز بارها با هدف همین ضد اطلاعات بوده اند.

از اهم موارد توسل به بیگانه بود که خود را دلسوز مردم نجیب و سربلند ایران نشان می داد و رسانه های مربوط به آنها هر روز بجای ملت ایران سخن می گویند در حالیکه از اسمشان پیدا است که صدا صدای آنهاست. و فردائی را که به آن ساده لوحان وعده می دهند فردای ما نیست.

بعد بازنشسته شدن چند ژنرال امریکائی مأمور در عراق بوسیله آقای رامسفلد وزیر دفاع وقت و آقای مایکل وولف M. Wolff در همان منبع که ذکر کردیم طی مقاله عمیق نوشته است که بوش و چنی و رامسفلد برای حفظ دستاوردهایشان در عراق در صدد گشودن جبهه جنگ دیگری بودند که البته ایران هدف بهترین بود. و انتخاب مجدد آقای بوش به این فکر میدان داد ولکن از اقبال بد آنها منازعات شیعیان و سنیان آنها را مانع شد. و اگر امروز (چندی قبل) آقای خامنه ای می گوید شکست جمهوریخواهان در انتخابات مجلسین امریکا پیروزی اسلام است تصادفی نیست. (نک: مقالات قبلی)

ما بارها و در همین ستون ها هم پیش از آغاز جنگ با عراق عدم اطلاع واقعی امریکا را از بافت اجتماعی و زیر و بم جامعه شناسی خاورمیانه و ایران را بخصوص یادآوری کرده ایم و روش رسانه های دنباله رو سیاست خاورمیانه ای امریکا را از پایه اشتباه دانسته ایم. اینک آنها که نوشته ها و مصاحبه های امثال ما را صمیمانه سانسور می کنند و فریاد دموکراسی برای ایران هم بر می کشند به آنها عرض می کنیم که در دام ضد اطلاعات اند.

غول ها آسیب پذیرند

غولک ها و موی دماغ

جوّ دولتی در امریکای حامل خاورمیانه به هم ریخته جوّ جنگ است. که هر چه شده شده و خروج از عراق ممکن نیست. رسانه ها هر روز از کشتار عراقی ها و طالبان ها بگونه ای حرف می زنند که افکار عمومی به جنگ و ضرورت آن باور کند. در خود امریکا فعلاً ترمزهائی هست. ولی دموکرات ها بر آنند تا چنان وقت کشی کنند که انتخابات ریاست جمهوری سر رسد. دموکرات ها حتی به بهانه آژانس بیمه های اجتماعی یا به دلیل جسارت فکری B. Obama که سناتوری است چهل ساله برای نامزدی ریاست جمهوری بانو هیلری را بشدت هل داده اند پس فصل انتخابات را جلو کشیده اند. دموکرات ها فاقد طرح اند. فکرهائی دارند اما پشت اصطلاح امنیّت ملی در حاشیه مطلب قدم می زنند. بوش طرح دارد که بیست و یک هزار نفر دیگر را بفرستد عراق تا در پنج حومه بزرگ و حساس بغداد به نوعی مستقر شوند که منتهی شود به مهار کردن گروههای متخاصم (محصول نبوغ رامسفلد - پرورده بخشی از سعودی ها) و بعد به این امید که کنگره را به اقناع رساند و دست ایران را از عراق قطع کند.

هیچ کس طرح صلح ندارد. ولی ضد اطلاعات در صدد آنست که همه خطرات جهان را یکجا به خاورمیانه نسبت دهد. پس جبهه تازه گشوده شود.

آن حمله نظامی که به کنسولگری نیمه رسمی ایران در اربیل صورت گرفت هدفی ضد اطلاعاتی داشت. ایران موی دماغ امریکا شده و چون پرونده های آن کنسولگری تحت مطالعه اند همه چیز ممکن است از آن درآید. غول های ذینفع در خاورمیانه همه آسیب پذیرند. رونق اقتصادی در حال حاضر و حتماً در سال جاری قوت قلب می دهد به دولت امریکا. یکی از جراید مهم کانادا **Report on Business Weekend** (۲۰۰۷/۱/۲۰) مدعی است که در بازار کنونی جهان هرچیز و همه چیز آب می شود. در یک جمله مردم می خرنند پس اوضاع روبراه است. چه کسی مایل است این رونق برهم خورد؟ چاوز ۶۰ درصد صادرات اش متوجه امریکا است. خالد مشعل قول داده که اساسنامه حماس را اصلاح کند. یعنی آن سمینار جهان بدون اسرائیل که نه شده و احمدی نژاد بی ترمز به سرآزیری می رود. می ماند که ایران باید

متحول شود. و اگر نشود بوش متحولش می خواهد. فرصت مناسبی برای ضد اطلاعات. ایران را بزنند خاورمیانه را برده اند. معه‌ذا روس ها بیدار نفع خوداند. غول ها آسیب پذیرند و برداشتن هر مانع برای رشدشان برایشان گران تمام می شود. یک مثال: کمپانی Titancort مرکزی دارد در سن دیگو این کمپانی خدمت رسان وزارت دفاع امریکا است. در گزارش می گوید از پنج هزار نفر مترجمی که برای دولت بجهت عراق استخدام کرده است ۲۵۷ نفر آن تا به امروز وسیله عراقیان مخالف حضور امریکا در عراق کشته شده اند (La Presse ۲۰/۱/۲۰۰۷). این روزنامه کانادائی باستناد آمار Body count می نویسد شمار عراقیان کشته شده غیر نظامی به ۶۰۰۰۰ رسیده است.

چرا مترجم ها را می کشند. زیرا در خدمت اشغالگرند. مردم عراق حرف زدن در باب صدام و یاران او را رها کرده اند می بینند وطن در اشغال است.

وال استریت جورنال و اکونومیست آمار این روزنامه کارائی را صحه نهاده اند. شریک خبرند حتماً در خرید آن از منبع مربوط. جالب است که در عراق مترجمان شیعه مذهب از مترجمان سنی متنفرند و این دو چشم دیدن همدگر را ندارند و هر دو در خدمت امریکائیان هستند و امریکائیان نیز به هر دو بدبین اند و می ترسند از عناصر نفوذی که قطعاً بینشان هست. موی دماغ.

همان منابع گزارش می کنند که کشتار نظامی پنجاه درصد افزایش یافته است. بعنوان مثال در هفته های آخر سال ۲۰۰۶ هر هفته ۶۵۰ حمله مسلحانه علیه نظامیان امریکائی و ۲۰۰ حمله مسلحانه علیه پلیس عراقی و ۱۲۰ حمله مسلحانه علیه غیر نظامی های عراقی صورت گرفته است.

غول ابرقدرت ممکن است بزنند و درکل ببرند. ولی بسیار در اضطراب اند و این اضطراب فرصت می دهد به ضد اطلاعات برای حادثه آفرینی.

فرانسه که ۲۵۰ سال است سنن حکومتی را جدا از مذهب تقویت می کند اخیراً در سفر شیراک به هند متوجه شد که منفور جوانان سیک است. سیک های مهاجر می گویند به ما پیام می دهند که: ریشتان و موی سرتان را بزنید، نامتان را عوض کنید. اعمال مذهبی را در اتاق خواب انجام دهید. در فرانسه برای دریافت کارت هویت عکس با عمامه یا سربند سیک ممکن نیست. سیک های پولدار می روند

انگلستان ولی قدرت موی دماغ شدن مردم کشورهای خاورمیانه را دست کم نمیگیریم. بشمار این مردم زیاداند و به مکر و انتقامجویی مسلح اند و این ریشه در فرهنگ دینی دارد. آنزمان ها که در ایران غول ارتجاع دینی در بطری نظام متجدد دولت – ملت بود من حضرت آقای راشد واعظ شهیر نیکنام و خوش صحبت را دیدم که در پاریس بود و ملبس به لباس آنجا. پرسیدم چرا؟ پاسخ داد حرمت دیگری.

اما سازمان اتحاد سیک های مقیم پاریس امروز روز طرح مبارزه وسیعی را ریخته اند یا بمدد اروپا و حقوق بشر موی دماغ شود.

ادعای امریکا و اروپا و دیگران در باب وجود تروریسم بجاست ولی این ادعا شنوده نمی شود از سوی مردم جهان و بخصوص مردم کشورهای تاریخی و تاریخ ساز خاورمیانه چرا؟ زیرا امریکا و مؤتلفان آن به عنف و یا به اشتباه سرزمین آنها را اشغال کرده اند. چنین گرهی می تواند با دست باز شود نه با دندان. به ابر قدرتها مشتبّه شده است که بی وجود مبارک و مقتدرشان مردم خاورمیانه به صلح و رفاه نمی رسند. رشد فکری و حتی رفتن به دموکراسی را همین اشغال مانع است هر چه بیشتر قشون به خاورمیانه بفرستند بیشتر دشمن می تراشند برای خودشان. پس مردم بین وطن و دین و امریکا و هر بیگانه می چسبند به وطن و دین و محال است استعمار جا بیافتد. این بار سومی است که غرب به شرق می رود طی دو سه قرن. این بار هم دست خالی بر می گردد. مردم خاورمیانه صبورند در برابر ظلم خودی و بیگانه و قانع اند به کم. ضد اطلاعات غرب فعال است چرا؟